

واکاوی معناشناختی رحمت در قرآن بر پایه روابط همنشینی واژگان

کلمه **مریم شمخانی** / دانش‌آموخته سطح ۴ رشته علوم و معارف قرآن، عضو مرکز پژوهشی حوزه علمیه همدان

Shamkhani387@gmail.com

مجید حیدری فر / استاد سطوح عالی و درس خارج حوزه علمیه قم

دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۵ - پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۵

چکیده

آشنایی با قواعد معناشناسی که یکی از شاخه‌های علم زبان‌شناسی به‌شمار می‌آید، به انسان کمک می‌کند تا با تأمل در سیاق و دقت در مجاورت کلمات، از افق نگاه گوینده یا نگارنده، به متن بنگرد و به زنجیره‌ای پیوسته از معنا دست یابد. واژه «رحمت» که موضوع این مقاله است، از صفات افعالی الهی است و انسان می‌تواند با فراهم آوردن زمینه‌های لازم، به آن دست یابد. هدف، پاسخ‌گویی به این پرسش است: «با توجه به روابط همنشینی، معنای رحمت در قرآن چیست؟». روش گردآوری مطالب از گونه «کتابخانه‌ای» و روش پژوهش توصیفی - تحلیلی با هدف کشف معنای رحمت از طریق هم‌نشین‌های آن در کاربردهای قرآنی سامان یافته است. دستاورد پژوهش شامل برخی واژه‌های فعال مثبت در کسب رحمت (اطاعت و درخواست رحمت)، واژه‌های فعال منفی (ناسپاسی و گناه)، واژه‌های منفعل از وجود رحمت (زنده شدن زمین و نرم‌خوبی)، واژه‌های ملازم رحمت (خدا و ایمان و عمل صالح) است. بر پایه یافته‌های پژوهش، معنای نسبی «رحمت» در قرآن، «حمایت و پشتیبانی» است با دو زیرشاخه: «حمایت عام» که همه موجودات را دربر می‌گیرد و «حمایت خاص» که از سوی خدای متعالی، فقط به مؤمنان با تقوا هدیه داده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: رحمت، معناشناسی ساختگرا، معناشناسی رحمت، میدان معناشناسی رحمت، روابط همنشینی.

برای فهم درست معانی متون، علمی پدید آمده که برخلاف دانش‌های محتوا محور، روش محور هستند؛ مانند معناشناسی. این رویکرد به توصیف پدیده‌های زبانی در چهارچوب یک نظام، بدون هر پیش‌انگاری می‌پردازد (صفوی، ۱۳۹۳، ص ۲۸). معناشناسی انواع و مکاتب گوناگونی دارد که این نوشتار از شیوه «ساختگرا و همزمانی» بهره برده است. در این روش، مفهوم یک واژه با توجه به خود متن و اکاوی می‌شود؛ یعنی تمام مسائل منظور در یک موضوع، مانند تعریف و عوامل و آثار یک واژه از همان متن به دست می‌آید. بر این اساس، واژه را می‌توان بر پایه فضای صدور یا محیط وقوع، در بافتار زبانی بررسی کرد؛ به گونه‌ای که روابط دستوری و معنایی خاصی میان هر واحد، با واحدهای زنجیره‌ای دیگری از گفتار یا متن حاکم است (همان، ص ۲۱۲). در این روش، واژه‌های هم‌نشین با واژه مورد نظر، از خود متن استخراج می‌شوند.

بیان مسئله

قرآن تنها راهنمای زندگی سعادتمندانه انسان در دنیا و آخرت و مهم‌ترین منبع کسب معارف دینی است. برای دستیابی به این معارف، باید فهم دقیق و عمیقی از واژگان و مفاهیم این کتاب آسمانی به دست آورد. از این رو با گذر زمان، شیوه‌های جدیدی برای کشف معانی و معارف قرآنی متناسب با زمان پدیدار می‌گردد. یکی از آنها دانش «معناشناسی» است که به سبب کسب توفیقاتی در مسیر کشف معانی و مفاهیم قرآنی، رواج یافته و مسلمانان از آن استقبال کرده‌اند.

معناشناسی زبانی مکاتب گوناگونی دارد که در این نوشتار شیوه‌ای مرکب از دو معناشناسی در نظر گرفته شده است: ساختارگرا (مکتب بن) که/ *یازوتسو* با به کارگیری آن در کشف معانی قرآن کریم توجه بیشتری را در جهان اسلام به آن جلب کرد و در کشف معانی متون دینی دیگر نیز به کار رفت.

معناشناسی مؤلفه‌ای (یکی از جریان‌های مکتب ساختارگرا)، که توسط *جرالد کاتس* و جری فودور در آمریکا پایه‌گذاری شد تا کاستی‌های شیوه/ *یازوتسو*، به کمک این شیوه جبران و معنای نسبی مورد نظر به درستی به دست آید. در شیوه/ *یازوتسو*، با بهره‌گیری از فرآورده لغت‌شناسان، ابزاری کارآمد برای کشف معانی جدید فراهم می‌آید که بیانگر تاریخ تحولات معنایی هر واژه است و افزون بر استفاده از صرف و اشتقاق و نحو و بلاغت، به ساختار داخلی متن نیز می‌نگرد. در معناشناسی مؤلفه‌ای، معنا دارای دو بخش است: یک بخش مربوط به بنیاد و اساس معناست و دیگری آنچه به آن افزوده می‌شود.

این پژوهش کوشیده است به کمک شیوه/ *یازوتسو* میدان‌های معنایی واژه‌ها تشکیل گردد و با بهره‌گیری از شیوه «مؤلفه‌ای» تحلیل درون‌متنی آنها صورت گیرد. یکی از واژه‌های کلیدی که کشف معنای آن ضروری به نظر می‌رسد «رحمت» است که از صفات فعل الهی بوده و در رابطه با موجودات، به ویژه انسان معنا پیدا می‌کند. این پژوهش با بهره‌گیری از روش داده‌پردازی «توصیفی - تحلیلی» و با هدف کشف معنای «رحمت» از طریق بررسی هم‌نشین‌های آن در کاربردهای قرآنی سامان یافته و در پی پاسخ‌گویی به سؤالات ذیل است:

- مفهوم واژه «رحمت» در عرف عام عرب چیست؟

- همشین‌ها و مؤلفه‌های معنا ساز واژه «رحمت» در قرآن کدام است؟

پیشینه بحث

بررسی پیشینه‌های مرتبط با موضوع نشان از این دارد که کتابی درباره معناشناسی رحمت در قرآن تألیف نشده است؛ اما پژوهش‌هایی در قالب پایان‌نامه به معناشناسی مختصر این واژه پرداخته‌اند؛ مانند:

- «معناشناسی رحمت در قرآن»، نوشته سحرناز زارعی که ابتدا به شرح واژه «رحمت» و مشتقات آن پرداخته و در ادامه اقسام رحمت و روابط همنشینی رحمت با برخی لغات را بررسی کرده است.

پایان‌نامه دیگری با عنوان «معناشناسی رحمت و محبت در قرآن»، به قلم/عظم پرچم به بررسی واژه «رحمت» و «محبت» و ارتباط آنها با واژگان دیگر پرداخته است.

- وی مقاله‌ای نیز با عنوان «رحمت رحیمیه در قرآن» از همین پایان‌نامه استخراج کرده است. با این وصف، در هیچ یک از این دو میدان معنایی روشن نگشته و واژه‌های فعال و منفعل و ملازم رحمت مشخص نشده و معنایی نسبی آن در قرآن به‌دست نیامده است.

ضرورت و اهمیت پژوهش

فهم دقیق متون زبانی اهمیت بسیار دارد؛ زیرا بدین وسیله مقصود گوینده یا نگارنده به درستی روشن می‌گردد. در صورتی که این مهم از روش صحیحی پیروی نکند، ممکن است معنایی متفاوت با مراد گوینده به‌دست آید. نخستین گام برای بهره‌گیری کامل از آموزه‌های مکتوب دینی، فهم صحیح این متون است. این کار زمانی میسر خواهد شد که واژه‌های موجود در آن به درستی معنا شود. در صورتی که این فرایند روشمند نباشد گاه معنایی مغایر با مقصود گوینده یا نویسنده به‌دست خواهد آمد. البته تا قبل از پرداختن *ازین‌وتسو* به این شیوه، با شیوه سنتی معنا در پرتو سیاق کشف می‌شد و در روش سنتی «فقه اللغة» فقط سیر تاریخی و تطور استعمال کلمات در بستر زمان بررسی و به واژگان به صورت جزیره‌ای نگاه می‌شد؛ لیکن در شیوه جدید به شکل منظومه‌ای و تشکیل میدان معنایی به واژگان توجه می‌گردد.

در میان گزاره‌های دینی، تلاش برای دستیابی به فهمی درست از معنای «رحمت» بسیار بایسته است؛ زیرا موجب تحصیل شروط و لوازم رحمت و دور ساختن موانع آن می‌گردد، تا پیمودن مسیر کمال هموار و به زودی جوار قرب الهی نزدیک گردد.

ادبیات و مبانی نظری تحقیق

پیش از پرداختن به تبیین و تحلیل کاربردهای رحمت در قرآن، نگاهی اجمالی به مبانی و زیرساخت‌های نظری پژوهش ضروری می‌نماید:

الف) چیهستی معنائشناسی

«معنا» در علم معنائشناسی، مصداقی عینی در جهان خارج یا مفهومی است که به صورت نوعی تصور در ذهن گوینده انباشته شده است (صفوی، ۱۳۹۴، ص ۲۰). به عبارت دیگر، «معنا» دارای چنان وسعتی است که تقریباً هر چیزی که ممکن است دارای معنایی تصور شود، می‌تواند عنوان موضوعی از معنائشناسی پیدا کند (ایزوتسو، ۱۳۶۸، ص ۳).

اصطلاح «معنائشناسی» در زبان انگلیسی به «semantics» مشهور است و در زبان عربی «علم الدلالة» یا «علم المعنی» نام دارد، گرچه در عربی نیز برخی آن را «سمانتیک» می‌نامند (احمد مختار، ۱۹۹۸، ص ۱۱).

معنائشناسی در تجزیه و تحلیل کلام، متن را مجموعه‌ای منسجم و معنادار می‌داند. پس تحلیل معنائشناختی بر این اصل استوار است که متن محل شکل‌گیری فرایند معنایی است. به زبان دیگر، معنائشناسی مطالعه علمی معناست و پدیده‌های زبانی را در چهارچوب یک نظام، بدون هر پیش‌انگاره‌ای توصیف می‌کند (صفوی، ۱۳۹۳، ص ۲۸). این علم مانند دانش اصول که منطوق استنباط‌های فقهی را ارائه می‌دهد، بسان ضابطه علم زبان‌شناسی است که با آن می‌توان از خطا در درک مدلول‌های کلام و فهم معانی کلمه‌ها و ترکیب‌های یک متن پیشگیری کرد (اختیار، ۱۳۷۲، ص ۱۲۷). پس می‌توان گفت: معنائشناسی دانشی است که با توجه به دگرگونی‌های واژه، به کشف معنای آن می‌پردازد و روابط معنایی میان مفاهیم گوناگون را در درون متن، شناسایی و شبکه‌ای از معنایی مرتبط با هم را استخراج می‌کند.

ب) معنای اساسی و معنای نسبی

هر کلمه به‌تنهایی معنای ظاهری دارد که اگر به صورت جدا از دیگر کلمات در نظر گرفته شود، نشانگر معنای اساسی یا مدلول تصویری ویژه خود است و اگر از متن خاص، مانند قرآن هم بیرون آورده شود، همچنان این معنا را حفظ خواهد کرد. به این عنصر معنائشناختی ثابت که هر جا این کلمه به کار رود و هر کس آن را به کار بندد همراه آن خواهد بود، «معنای اساسی» کلمه می‌گویند (ایزوتسو، ۱۳۶۸، ص ۱۴).

برای نمونه کلمه «کتاب»، در قرآن باشد یا در خارج آن، یک معنای اساسی دارد. ساختار قرآن و ارتباط خاص آن با بعضی کلمات مهم قرآنی همچون الله و وحی و تنزیل و نبی، نسبت خاصی پیدا می‌کند که به کلمه «کتاب»، رنگ معنائشناختی خاص می‌بخشد و ساخت معنایی ویژه‌ای برای آن فراهم می‌آورد؛ به گونه‌ای که اگر از ساختار قرآنی بیرون می‌ماند، هرگز چنین نمی‌شد. پس واژه «کتاب» با قرآن که با یک مفهوم و تصور دینی خاص با هاله‌ای از قداست احاطه شده و اهمیت خاصی پیدا کرده، دارای معنای نسبی است (همان، ص ۱۵).

معنای اساسی «رحمت»

در زبان عربی و واژه‌نامه‌های این زبان، «رحمت» از ریشه «رح م» به معنای «عطوفت» (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۲۲۴)، «دلسوزی و مهربانی» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۲۳۰؛ جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۹۴؛ تهمانوی، ۱۹۹۶، ج ۱، ص ۸۴۷؛ مهنا، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۷۵)، «مغفرت» و «رزق و زندگی» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲،

ص ۳۳۰) آمده است. به گفته برخی، «رحمت» نزد عرب به دو صورت می‌آید: اگر درباره انسان به کار رود به معنای دلسوزی است که سبب عطفوت او به شخص مورد ترحم می‌شود، و اگر درباره خدا به کار رود معنای «عطفوت و نیکی و رزق و احسان» را می‌رساند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۴۷؛ طریحی، ۱۳۷۵ق، ج ۳، ص ۲۲۴).

«رحمت» به معنی «تجلی رأفت و ظهور شفقت» هم به کار رفته که در آن، خیر و صلاح شیء مورد ترحم لحاظ می‌شود، هرچند همراه با درد یا ناراضیاتی یا ابتلای او باشد؛ مثل نوشتن داروی تلخ به مریض پس «احسان و انعام و تفضل» هر یک نوعی از رحمت هستند (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۴، ص ۹۲).

به گفته برخی مفسران، «رحمت» در معنای «افاضه نعمت بر مستحق» و «رساندن هر چیزی به سعادت که شایستگی و استعداد رسیدن به آن را دارد» به کار رفته است (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۷، ص ۲۷).

از جمع‌بندی سخنان پیش گفته می‌توان به تعریف مشترکی دست یافت که «رحمت» یعنی «عطفوت و اعطا و افاضه به هر صاحب استعدادی برای تأمین نیاز او».

در ادامه با توجه به همنشین‌های واژه «رحمت» نگارندگان درصدد کشف معنای نسبی این واژه هستند. در علم معناشناسی یکی از گام‌های کشف معنا، ترسیم میدان معناشناسی یا حوزه معنایی است؛ یعنی پهنه‌ها یا بخش‌هایی که از پیوستگی و ارتباطات گوناگون کلمات در میان آنها حاصل می‌آید (ایزوتسو، ۱۳۶۸، ص ۲۵). از جمله این میدان‌ها، میدان واژه‌های فعال و منفعل را می‌توان برشمرد که عوامل و مؤثرها را به‌مثابه فعال‌کننده در مفهوم می‌نامند و معلول‌ها، متأثرها و پیامدها را به‌مثابه منفعل شونده از مفهوم به‌حساب می‌آورند. در ادامه به این واژه‌های فعال و منفعل اشاره شده است:

واژه‌های فعال در کسب رحمت

برای ترسیم میدان معنایی واژه‌های فعال در «رحمت»، نخست باید واژه‌های فعالی بررسی شود که در کسب رحمت الهی، نقش مثبتی دارد، سپس واژه‌های فعال منفی ذکر گردد که مانعی برای کسب رحمت الهی به‌شمار می‌رود:

الف) واژه‌های فعال مثبت در کسب رحمت

بنای آفریدگار و پروردگار در این عالم بر پایه نزول برکات عظیم به مخلوقات، به‌ویژه انسان است. چون انسان شایستگی زندگی سعادتمندانه در دنیا و آخرت را دارد، خدای رحمان نیز به‌واسطه رحمت خود، آن زندگی را به انسان خواهد داد. همه انسان‌ها استعدادهای یکسان ندارند، بلکه هر کسی متناسب با لیاقتی که در خود پدید می‌آورد، قابلیت دریافت رحمتی متناسب خواهد داشت. در ادامه، به واژه‌ها و عبارتهایی اشاره می‌شود که با کسب رحمت فعال همسو هستند:

۱. اطاعت خدا و رسول ﷺ و قرآن

در قرآن، ارسال رسل رحمتی از سوی خدای تعالی معرفی شده است؛ «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ (انبیاء: ۱۰۷)؛ اما گاهی برای کسب رحمت مضاعف، لازم است انسان در مسیر اطاعت آنان قرار گیرد.

یکی از عبارات فعال در کسب رحمت، «اطاعت خدا و رسول» است: «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (آل عمران: ۱۳۲). بر پایه این آیه، حصول رحمت در گرو اطاعت خدا و رسول است. پس کسی که از خدا و رسول نافرمانی کند، صلاحیت مرحوم بودن را ندارد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۳۶۴).

یکی دیگر از واژه‌های فعال در تحصیل رحمت الهی، اطاعت از فرمان‌های قرآن است: «وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَ اتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (انعام: ۱۵۵). این آیه قرآن را کتابی فرستاده شده از سوی خدا معرفی می‌کند که تبعیت از آن دستیابی به رحمت الهی را به دنبال دارد: «لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»؛ یعنی به رحمت فراگیر الهی امیدوار باشید به سبب عمل کردن به قرآن؛ زیرا بر مکلف لازم است همیشه میان خوف و رجا باشد (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۳، ص ۴۹۲). از همنشینی «فَاتَّبِعُوهُ» و «لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» فعال بودن اطاعت قرآن و رابطه اطاعت و امید به نزول رحمت مشخص می‌شود.

البته با وجود اینکه قرآن برای همه مردم هدایت است، در آیه «وَ نُنزِلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا» (اسراء: ۸۲) و مانند آن اشاره شده که قرآن رحمت خاص بوده و تنها برای مؤمنان مایه رحمت است.

۲. دعا و درخواست رحمت

رحمت پروردگار بی‌مرز است و همه بندگان را دربر می‌گیرد؛ اما گاهی انسان برای افزایش ظرفیت دریافت رحمت الهی، به «درخواست رحمت» از آن بی‌نیاز مطلق نیاز دارد. همان‌گونه که «شکر نعمت، ظرفیت دریافت نعمت را افزون می‌کند»، درخواست رحمت نیز ابواب بیشتری از آن را می‌گشاید و انسان را مشمول آن می‌سازد. خدای متعالی به بندگان می‌آموزد که باید از او رحمت و نعمت و آسایش و... طلب کنند: «إِذْ أَوْىٰ الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنْكَ رَحْمَةً...» (کهف: ۱۰). همنشینی «آتِنَا» و «رَحْمَةً» به دعا برای کسب رحمت، به‌منظور دریافت آن اشاره دارد؛ زیرا هنگامی که اصحاب کهف از شهر و مردم و مأموران حکومتی به غار پناه بردند تا دین خود را حفظ کنند، وقتی به غار رسیدند، از خدا خواستند که رحمتش را شامل حال آنان گرداند و ایشان را از شر مردم و سلطان و اتباع او نجات دهد (طیب، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۳۳). این جوانان به‌سبب اعتقاد به یگانگی خدا و پشت کردن به خدایان دروغین عصر، در پوشش رحمت الهی بودند. با فرار از سوی کفر و پناه بردن به غار و دعا برای کسب رحمت مضاعف از خدای متعال، درهای فراوان رحمت آفریدگار به روی آنان گشوده شد و از گزند حکومت و مردم در امان ماندند.

آیات دیگری همچون آل عمران: ۸ و اعراف: ۱۵۱ و ۱۵۵ به لزوم دعا برای کسب رحمت بیشتر اشاره دارد.

۳. نماز و زکات

هر عمل صالحی می‌تواند زمینه ورود انسان به گستره رحمت الهی را مهیا سازد؛ اما عوامل به‌طور خاص در قرآن راهنمای انسان به‌سوی رحمت حق معرفی شده‌اند؛ مانند اقامه نماز و پرداخت زکات: «وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ

أَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (نور: ۵۶). از همنشینی «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» و «لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» فعال بودن اقامه نماز و ادای زکات برای تحصیل رحمت الهی نمایان می‌گردد.

۴. جهاد

از آن رو که پیامبر اکرم ﷺ پیام آور دین جهانی بودند، برای صدور آن به جهانیان، گاهی از شیوه فتح سرزمین‌ها و رساندن ندای اسلام به گوش مردم کمک می‌گرفتند که قرآن آن را «جهاد» می‌نامد. از این‌رو، خدای والا بارها مسلمانان را به جهاد در راه خدا تشویق کرده و پاداش فراوانی برای آن مقرر ساخته که یکی از آنها برخورداری از رحمت است. نمونه‌ای از واژه‌های فعال در کسب رحمت، «جهاد» است: «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ... أَجْرًا عَظِيمًا دَرَجَاتٍ مِّنْهُ وَ مَغْفِرَةً وَ رَحْمَةً وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا» (نساء: ۹۵ و ۹۶). تمام گناهان مجاهد مثل برگ درختان می‌ریزد؛ همانند زمانی که از مادرش متولد شده باشد و مشمول رحمت بی‌پایان حق می‌گردد. سبب این همه تفضلات «غفور» و «رحیم» بودن خداست (طیب، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۱۷۸). از همنشینی «الْمُجَاهِدِينَ» و «رَحْمَةً» و «رحیمًا»، فعالیت جهاد در کسب رحمت برای مجاهدان برداشت می‌شود؛ به این معنا که هر کس در راه خدا جهاد کند زمینه برای کسب رحمت الهی را فراهم می‌سازد.

۵. انفاق

«انفاق» کاری اجتماعی است و از سوی افرادی انجام می‌شود که حس مهرورزی نسبت به دیگران دارند. کسی که به دیگران ترحم کند شایستگی توجه و ترحم دیگران، به‌ویژه خدای رحیم را پیدا می‌کند. در همین زمینه، خدای مهربان بارها به توانگران امر فرموده که به نیازمندان انفاق و با این عمل رحمت خدا را کسب کنند: «... مَن يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يَتَّخِذْ مَا يُنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ... أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَّهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» (توبه: ۹۹). براساس همنشینی «مَا يُنْفِقُ» و «سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ» و «رحیم»، انفاق زمینه ورود مؤمنان به گستره رحمت آفریدگار و پروردگار را فراهم می‌آورد؛ یعنی کسی که انفاق در راه خدا را سرلوحه زندگی خویش قرار دهد، چون خدا رحیم است، او را در رحمت خود داخل خواهد کرد.

۶. اصلاح ذات البین

در دین اسلام، خدای منان برای ایجاد پیوند میان مسلمانان و تشویق ایشان برای حمایت یکدیگر، از حس طبیعی بهره‌جسته و اهل اسلام را «برادر» یکدیگر نامیده است تا بدین وسیله پایه‌های محبت را میان آنان محکم سازد. یکی از جاهایی که حضرت حق به برادر دینی اجازه دخالت داده، اصلاحگری هنگام اختلاف دو مسلمان است و پاداش این عمل را دریافت رحمت خود قرار داده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات: ۱۰). همنشینی «فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ» و «لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» بیانگر نقش فعال آشتی دادن مردم در فراهم کردن بستر کسب رحمت الهی است؛ یعنی برقراری صلح در بین برادران دینی و پرهیز از ایجاد اختلاف به‌سبب ترس از خدا، امید نزول رحمت را دربر دارد.

به دنبال پذیرش ایمان و عزم در بندگی، انواع موانع در راه بندگی بروز می‌کند. گاه عوامل تباهی برای انحراف عمدی و عملی انسان و لغزاندن او به مسیر ظلمات پدید می‌آید. استقامت در برابر موانع سعادت و اطاعت و مقاومت در برابر عوامل انحراف از جاده حق، «صبر و شکیبایی» نامیده می‌شود. هرچه خدای رحیم نصیب انسان می‌کند از رحمت اوست. پس خاستگاه مصیبت‌ها نیز رحمت اوست و وظیفه انسان صبر است تا بستر ریزش رحمت مضاعف گردد: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ عَظِيمٍ... وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ... أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ» (بقره: ۱۵۵-۱۵۷). در این آیات مرجع «رَحْمَةٌ»، واژه «الصَّابِرِينَ» است؛ یعنی صبر در برابر ترس و گرسنگی و ضرر مالی و جانی و مصیبت‌ها و پناه بردن به خدای بی‌همتا، زمینه نزول رحمت آفریدگار و پروردگار را فراهم ساخته که همین نشان‌دهنده فعال بودن بردباری در برابر نامالایمات زندگی، در تحصیل رحمت الهی و یافتن مسیر درست هدایت است.

۸. تقوا

«تقوا» یعنی: خودنگهداری از آنچه به گناه می‌انجامد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۸۱). در آیات فراوانی به انسان توصیه شده است تقوا پیشه سازد؛ مانند: «وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى» (بقره: ۱۹۷)؛ یا «فَمَنِ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَوَلَهُمْ يَجْزُنُونَ» (اعراف: ۳۵). بنابراین انسان باید بداند که پس از آشنایی با دستورهای الهی و عمل به آنها، نیاز به نگهداری درونی پیدا می‌کند تا هم در راه بماند، هم برای تشخیص درست و نادرست از آن بهره گیرد. این محافظ «تقوا» نام دارد: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (یس: ۴۵). از همشینی «تَقْوَا» و «لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» برمی‌آید که برای مشمول رحمت شدن باید تقوا پیشه کرد. پس داشتن تقوا رحمت الهی را در پی خواهد داشت که هم در دنیا و هم در آخرت نمودار می‌شود.

(ب) واژه‌های فعال منفی در کسب رحمت

رحمت و نعمت به دست رب لایزال است. هر که را او متنعم سازد کسی را یارای منع نعمت نیست، و هر که را او محروم کند کسی توان اعطا و بهره‌مند ساختن ندارد. این یک سنت قطعی است. اما خدا حکیم است و به گونه احسن جهان را آفریده است و بدون دلیل کسی را مورد ترحم قرار نمی‌دهد و کسی را از رحمتش محروم نمی‌سازد. پس انسان باید قابلیت دریافت رحمت یا منع آن را فراهم سازد؛ اما گاهی موانعی بر سر راه کسب رحمتش وجود دارد که باید برطرف گردد. اکنون به واژه‌های فعال منفی اشاره می‌شود:

۱. ناسپاسی

انسان پیوسته در معرض نعمت‌های پی‌درپی و فراوان پروردگار قرار دارد و لطف و عنایتش همیشه او را متنعم می‌سازد. از این رو گاهی به خود مغرور گشته، از خدا طلبکار می‌شود. گویا شایستگی اوست که منعم را به انعام واداشته و به جای شکرگزاری و توجه به ولی‌نعمت، تنها از ظاهر نعمت خوشحال می‌شود و آن را به خودش نسبت

می‌دهد. وقتی نعمات از او سلب شود یا به او نعمتی نرسد، ناامید گشته، زبان به ناسپاسی می‌گشاید، و حال آنکه هر نعمتی که خدا عطا می‌کند رحمتی از اوست، نه طلبی که انسان از او دارد و این ناسپاسی، دیگر نعمات را نیز از کف او بیرون می‌کند و او را از رحمت الهی دور و به خشم او نزدیک می‌سازد: «وَلَيْنَ أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَكَيْفُوسٌ كَفُورٌ» (هود: ۹). با هم‌افزایی این آیه با آیه «وَاذِذْ تَادَانَ رَبُّكُمْ لَيْنَ شُكْرْتُمْ لِأَرْبِيدِكُمْ وَلَيْنَ كَفْرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم: ۷)، به‌دست می‌آید که یکی از واژه‌های منفی فعال در کسب رحمت «ناسپاسی» است؛ یعنی در آیه نخست، دادن رحمت و گرفتن آن را به خودش نسبت داده و گرفتن رحمت را مایه ناسپاسی بنده شمرده، با آنکه بنده در هر صورت، موظف به سپاسگزاری است؛ رحمتی داده شود یا گرفته شود؛ زیرا هر دو رحمت است و متناسب با زمینه‌سازی بندگان، پس جایی برای ناسپاسی نمی‌ماند. در آیه دوم، سپاسگزاری بندگان را عامل افزایش نعمت شمرده و مفهومش این است که اگر ناسپاسی کنند نه‌تنها رحمت خود را نازل نمی‌کند، بلکه عذاب را جایگزین آن خواهد ساخت. پس ناسپاسی از گناهان است و بر پایه ملازمه میان عمل صالح و رحمت، با انتفای یک طرف (عمل صالح)، طرف دیگر (رحمت) نیز منتفی می‌شود.

۲. گناه

یکی از نعمات الهی برای انسان «نفس» است که به اذن خدای متعالی به بدی فرمان می‌دهد؛ اما وظیفه انسان تسلیم نشدن در برابر اوامر نفس و ایستادگی است. اگر موفق به ایستادگی نشود و تسلیم اوامر او گردد از رحمت الهی دور می‌گردد و کسی که توفیق ترک گناه می‌یابد به‌سبب شمول رحمت الهی است: «وَمَا أُبْرِيءُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ» (یوسف: ۵۳). در این آیه امر به گناه از طرف نفس طبیعی دانسته شده، لیکن عدم ارتکاب گناه از سوی انسان، در سایه رحمت الهی است و به قابلیت خودساخته بستگی دارد. اگر انسان از هوای نفس خویش اطاعت کند و مرتکب گناه شود ملازمه میان «رحمت» و «تقوا» به هم می‌خورد؛ یعنی تقوا از میان می‌رود و با انتفای آن، رحمتی در کار نخواهد بود. پس گناه نقش فعال در منع رحمت دارد.

۳. مغرور شدن به داری‌ها و افتادن در دام شرک

انسان در شرایط گوناگون آزمایش می‌شود؛ اگر همیشه به یاد خدا باشد و همه چیز را از او بداند از این امتحان‌ها سربلند بیرون می‌آید؛ اما اگر مغرور شود و خود یا دیگران را در دست یافتن به آن شریک بداند، مشرک شده، رحمت را از خویش دور می‌سازد: «... ثُمَّ إِذَا أَذَقْتَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ» (روم: ۳۳). در این آیه شرک، فعال منفی در امتداد کسب رحمت است و چنین اشخاصی وقتی با اندک رحمتی دچار شرک می‌شوند و خدا را فراموش می‌کنند، شایستگی دستیابی به رحمت الهی را از دست می‌دهند. میان «ایمان» و «رحمت» ملازمه است. پس با نبود ایمان، رحمت نیز منتفی می‌شود. آیه دیگری به این واقعیت اشاره کرد است: «قَالَ سَأُوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُعْرِقِينَ» (هود: ۴۳). تنها کسانی محفوظ

می‌ماند که خدا به آنان رحم کند و به پسر نوح رحم نکرد، پس مبرهن می‌گردد که مشرک شایستگی رحمت ندارد، مگر اینکه ایمان بیاورد. بنابراین شرک، فعال در دوری از رحمت و ایمان نیز فعال در کسب رحمت است. شاهد نجات یافتن ایمان آوردندگان به حضرت نوح علیه السلام و غرق شدن مشرکان است، حتی پسر حضرت نوح علیه السلام.

۴. ناامیدی از رحمت حق

انسان به سبب فراز و نشیب‌های فراوان زندگی و قرار گرفتن در معرض وسوسه‌های شیطان، گاهی در دام شیطان اسیر شده، مرتکب معصیت می‌گردد و چون شیطان راه نفوذ پیدا کرد او را رها نمی‌کند و به او تلقین می‌نماید که دیگر راه برگشتی ندارد. همین امر سبب ناامیدی انسان از رحمت بی‌حد و حصر پروردگار می‌شود و او را در تباهی غرق می‌کند: «وَ إِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِن تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْتُلُونَ» (روم: ۳۶). در این آیه، ناامیدی نقش فعال منفی در کسب رحمت دارد و مانع کسب رحمت می‌شود؛ زیرا موجب ادامه گناه و انتفای تقوا و در نتیجه، انتفای رحمت از او می‌شود.

۵. ضلالت

شیاطین با ترفندهای فراوان به سراغ انسان می‌آیند و با فریب او، راه صلاح را فساد جلوه داده، راه فساد را صلاح معرفی می‌کنند و بدین سان، انسان را گمراه می‌سازند. آفریدگار بی‌همتا البته همیشه در کنار مؤمنان است و با رحمت بی‌منتهای خود صراط مستقیم را رهنمون می‌شود تا گمراهان جز پیروان خود را گمراه نسازند. خدای تعالی در این باره می‌فرماید: «قَالَ وَ مَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ» (حجر: ۵۶)، اما زمانی که انسان مسیر گمراهی در پیش گرفت خدای تعالی نیز او را رها خواهد کرد و همین موجب دوری او از رحمت الهی خواهد شد. پس گمراهی فعال منفی در کسب رحمت است.

واژه‌های منفعل از وجود رحمت

آنچه در دنیا و آخرت نصیب انسان می‌شود از امور مادی، یا معنوی، همگی آثار رحمتی است از جانب آفریدگار یکتا که بدون هیچ چشمداشتی، به مخلوقاتش ارزانی می‌دارد. واژه‌ها و عبارات منفعل از وجود رحمت الهی عبارتند از: زنده شدن زمین و نرمخویی و توفیق رویکرد به عمل صالح و تزکیه و نجات و نصرت الهی و دستیابی به بهشت برین و رضوان الهی.

یک. زنده شدن زمین

از واژه‌هایی که می‌توان آن را منفعل از وجود رحمت دانست، «احیای زمین» است: «فَأَنْظِرُهُ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَةِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» (روم: ۵۰). مراد از رحمت خدا بارانی است که از ابرها فرو می‌ریزد و آثار آن عبارت است از: هر چیزی که بر آمدن باران مترتب شود؛ زیرا گیاه و درخت و میوه در عین اینکه آثار باران هستند، آثار حیات یافتن

زمین بعد از مردنش نیز به‌شمار می‌آیند. از این رو در آیه شریفه، باران را «رحمت خدا» و کیفیت زنده کردن زمین بعد از مردنش راه، آثار آن خوانده است (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۲۲). این آیه نشان از رحمت عام الهی دارد که شامل تمام موجودات عالم می‌شود.

دو. نرمخویی

مهربانی و نرمخویی از صفاتی است که سبب جذب مخاطب و افزایش طرفداران انسان می‌شود. پیامبر اکرم ﷺ نیز با مردم از سر محبت و دلسوزی برخورد می‌کردند. خدای مهربان به پیامبر ﷺ می‌فرماید: این نرمخویی تو که برخاسته از رحمت خداست، مایه گرایش مردم سوی توست: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُتِنُوا مِنْ...» (آل عمران: ۱۵۹). از همنشینی «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ» و «لِنْتَ لَهُمْ» به‌دست می‌آید که نرمخویی پیامبر ﷺ متأثر و منفعل از رحمت الهی است.

سه. توفیق رویکرد به عمل صالح

انجام دادن عمل صالح در کنار ایمان، از سفارش‌های قرآن برای همگان است. میان عمل صالح و رحمت، ملازمه وجود دارد و این ملازمه دوسویه است؛ یعنی انتفای یکی سبب انتفای دیگری است. پس به همان اندازه که عمل صالح مایه نزول رحمت است، رحمت الهی نیز عامل ایجاد رویکرد به عمل صالح خواهد بود: «وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَ أَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ» (نمل: ۱۹). براساس همنشینی «أَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ» و «فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ»، توفیق انجام عمل صالح و انسان صالح شدن منفعل از رحمت پروردگار است و همین مسیر را برای تحصیل رضایت الهی باز خواهد کرد.

چهار. توفیق تزکیه

یکی دیگر از همشینی‌های منفعل از رحمت، توفیق تزکیه و خودسازی است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... لَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا...» (نور: ۲۱). از همنشینی «لَوْلَا... رَحْمَتُهُ» و «مَا زَكَا»، به‌دست می‌آید کسی که پاکی نصیب او شده تنها به برکت رحمت و فضل آفریدگار و پروردگار است؛ زیرا تا او نخواهد کسی را یاری کسب پاکیزگی نیست.

پنج. نجات و نصرت الهی

خدای متعالی خالق انسان و یاور او در تمام لحظات زندگی است؛ اما انسان به‌سبب غرق شدن در دنیا و غفلت از او، تنها موقعی که از تمام اسباب ناامید می‌شود، متوجه خدا گشته، یاری او را لمس می‌کند و با تمام وجودش درک می‌کند که اگر خدا بخواهد به کسی نفعی رساند و او را یاری کند، هیچ‌کس را یاری منع نیست و اگر بخواهد به کسی ضرری برساند، کسی توان ایستادگی در برابر او را ندارد: «فَأَنْجِيئَهُ وَ الَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا» (اعراف: ۷۲)؛ و (هود: ۵۸، ۶۶ و ۹۴). در این چند آیه از همنشینی «فَأَنْجِيئَهُ» و «بِرَحْمَةٍ مِنَّا»، منفعل بودن یاری و نجات دادن

مؤمنان از رحمت الهی نمایان است. در آیه دیگری از همنشینی «ارْحَمْنَا» و «فَانصُرْنَا»، انفعال نصرت از رحمت الهی فهمیده می‌شود: «...رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْنَا مَا لَنَا... وَ ارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (بقره: ۲۸). در آیات یادشده باری شونده باید بستر انفعال و ایجاد نصرت را فراهم کند، که ایمان به خدا و پیروی از پیامبر اوست. پس تا این زمینه فراهم نگردد ملازمه میان رحمت و نصرت نیز برقرار نخواهد شد.

نش. دستیابی به بهشت برین و رضوان الهی

آنچه در آخرت در انتظار انسان است محصول عملکرد او در دنیاست، و آنچه خدای متعالی برای انسان می‌پسندد بهترین آنهاست که همان بهشت و همجواری الهی است. برای رسیدن به این موهبت پروردگار، انسان باید تمام تلاش خود را به کار گیرد. در آخرت این رحمت به صورت جنت جلوه می‌کند: «أَهْوَلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ» (اعراف: ۴۹). همنشینی «لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ» و «ادْخُلُوا الْجَنَّةَ» نشان می‌دهد که یکی از آثار رحمت برای مؤمنان ورود به بهشت است که منفعل از او و شامل حال کسانی است که عمل صالح انجام داده‌اند، نه کسانی که ثروت جمع کرده و به‌واسطه آن مغرور گشته و هیچ‌کس جز خود را لایق رحمت الهی نمی‌دانند (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۷۳).

در آیه دیگری، رضوان را نیز بهره‌بندگان می‌داند: «يُسِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَ رِضْوَانٍ وَ جَنَّتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ» (توبه: ۲۱). براساس همنشینی «بِرَحْمَةٍ مِنْهُ» و «جَنَّتٍ» و «رِضْوَانٍ»، اهل ایمان و عمل صالح به‌واسطه رحمت او به رضوان الهی خواهند رسید. «رضوان» به‌معنای خشنودی بسیار است و چون بزرگ‌ترین رضا، خشنودی خدای متعالی است، واژه «رضوان» در قرآن به هرچه که از اوست اختصاص یافته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۵۶).

واژگان ملازم رحمت

واژه‌های «ملازم» یا «استلزام معنایی» به واژه‌هایی اطلاق می‌گردد که تحقق مفهوم یک واژه یا یک جمله مستلزم تحقق مفهوم واژه و یا جمله دیگری می‌شود؛ مثلاً، تصور واژه «خورشید» به‌طور مفهومی مستلزم واژه «نور» است (صفوی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۷).

شایان ذکر است که ملازمه دو گونه دارد: دوسویه و تک‌سویه. در ادامه واژه‌های ملازم رحمت در قرآن تبیین می‌شود:

الف) واژگان گویای مفهوم خدا

یکی از واژه‌های فعال و ملازم همیشگی رحمت، واژه «خدا» است. این تلازم به صورت یک‌سویه و از سوی خدای رحمان به‌سمت همه موجودات، به‌ویژه انسان در جریان بوده و با معنای اساسی «رحمت» - اعطا برای تأمین حاجت نیازمند - نیز سازگاری تام دارد؛ زیرا جز خدای ارحم‌الرحامین کسی را یارای تشخیص نیاز مخلوقات و افاضه به میزان احتیاج آنها نیست.

این گونه ملازمه در قالب واژه‌های «الله» و «رب» و ظرف «من لدن» و ضمیر متکلم مع‌الغیر و غایب آمده است که به برخی از آیات اشاره می‌شود:

یکم. الله

جهان‌بینی قرآن اصولاً خدامداری است. در این دستگاه، تصور بر این است که «الله» از بالا بر کل دستگاه فرمانروایی دارد و بر ساخت معناشناختی همه واژگان کلیدی به‌صورتی بسیار عمیق نافذ است (ایزوتسو، ۱۳۶۸، ص ۱۱۹). در بعضی آیات، نسبت «رحمت» به خدا با واژه «الله» آمده است:

«فَمِمَّا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ» (آل عمران: ۱۵۹). در این آیه، رحمت و نرم‌خویی پیامبر ﷺ به خدا نسبت داده شده است و فرموده: تو به همان رحمتی که از جانب خدا دارا بودی و متصف به «رحمة للعالمین» گردیدی، از جرم آنها بگذر و آنان را به اذن خدا عفو کن (امین، ۱۳۶۱، ج ۳، ص ۳۱۱).

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا... أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (بقره: ۲۱۸) این آیه متوجه حال مؤمنانی است که کنار هجرت و جهاد در راه خدا، جرمی مرتکب شده بودند و با این‌همه، به آموزش و رحمت خدا امید داشتند؛ زیرا بنده در همه حالاتش باید میان خوف و رجا باشد و به اعمال خود مغرور نشود و از رحمت خدا مأیوس نگردد. خدا نزد حسن ظن بنده‌اش بوده و آموزش و رحمت او گسترده است (سبزواری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۹). پس رحمت، تنها به‌دست خداست و به هریک از بندگان که بخواهد، می‌رساند، هرچند در تصور بنده‌اش ننگند.

در آیات پیش گفته میان واژه «رحمت» و «الله» ملازمه برقرار است که نشان از صاحب رحمت، یعنی «الله» دارد. آیات دیگری نیز به این تلازم اشاره دارد: آل عمران: ۱۰۷؛ اعراف: ۵۶؛ روم: ۵۰؛ فتح: ۲۵؛ شوری: ۸؛ فاطر: ۲؛ احزاب: ۱۷؛ انعام: ۱۵۷؛ نور: ۱۰.

دوم. ربّ

در شماری از آیات در نسبت رحمت به خدا، واژه «رب» آمده و میان‌هدای رحمت و پروردگار تلازم برقرار شده است: «وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ» (انعام: ۱۳۳). در این آیه فرمود: آفریدگار تو از بندگان و عبادتشان بی‌نیاز است. او کانون رحمت است؛ یعنی به مردم رحم می‌کند و آنها را مکلف می‌سازد تا منافع بزرگی در اختیارشان بگذارد و اینها به‌دست نمی‌آید، مگر در پرتو انجام تکالیف همراه با تعظیم خدا (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۱۰).

این آیات نیز نشانگر تلازم میان نزول رحمت و رب هستند: «قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ» (حجر: ۵۶)؛ «قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي...» (حجر: ۱۰۰)؛ «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ» (بقره: ۱۵۷)؛ نیز: اعراف: ۱۵۱؛ هود: ۲۸؛ توبه: ۲۱؛ بقره: ۱۷۸، ۲۸۶؛ انعام: ۱۴۷؛ اعراف: ۲۳، ۱۴۹، ۱۵۴ و ۲۰۳؛ یونس: ۵۷.

گاه ملازمه میان رحمت و خدا، با ظرف «من لدنک» (آل عمران: ۸؛ کهف: ۱۰) و با ضمیر مع‌الغیر (هود: ۹؛ انبیاء: ۷۵ و ۷۶؛ مؤمنون: ۷۵) و ضمیر غایب (شوری: ۸؛ هود: ۶۳؛ جاثیه: ۳۰؛ بقره: ۶۴؛ آل عمران: ۷۴؛ نساء: ۹۶) آمده است.

(ب) ایمان به خدا و رسول ﷺ

ایمان نخستین و ارزشمندترین چیزی است که می‌تواند انسان را در جلب رحمت خاص الهی یاری کند. انسان با نور ایمان در مسیر تعالی و رشد قرار می‌گیرد و لیاقت دریافت موهبت‌های الهی را پیدا می‌کند، در آیات قرآن برای نشان دادن مقدمات لازم برای کسب رحمت، گاه میان رحمت و زمینه‌های لازم آن تلازم برقرار شده است؛ مانند: میان «ایمان به خدا» و رحمت و «ایمان به رسول» و رحمت: «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ... فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ» (نساء: ۱۷۵).

«وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ... أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (توبه: ۷). در این آیات پس از برشمردن ویژگی‌های خاص مؤمنان، میان آنان و رحمت ملازمه برقرار کرده و به آنان وعده رحمت خاص خود را داده است؛ یعنی اگر در پرتو ایمان واقعی، امر به معروف و نماز و زکات و اطاعت خدا و رسول را انجام ندهند، مشمول رحمت الهی نخواهند شد؛ زیرا خدا حکیم است و با تدبیر خود، جهان را به گونه‌ای سامان داده که ایمان ملازم رحمت خاص باشد.

از سوی دیگر، ایمان به خدا باید با ایمان به رسول ﷺ کامل شود تا رحمت الهی شامل حال مؤمن گردد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِن رَّحْمَتِهِ...» (حدید: ۲).

(ج) عمل صالح

در فرهنگ قرآن، خدای حکیم به ایمان بسنده نکرده و آن را برای دخول در رحمت کافی ندانسته است. پس انسان مؤمن در مسیر زندگی باید اعمالی انجام دهد که نشانگر ایمان واقعی او به خدا باشد: «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ» (جاثیه: ۳۰). در این آیه افزون بر ایمان، عمل صالح را نیز شرط دخول در رحمت خاص آفریدگار معرفی کرده و با آوردن «صالحات» به صورت جمع و همراه با «ال»، نشان داده که سراسر زندگی و تمام اعمال او باید صالح باشد.

(د) تقوا

«تقوا» یعنی: مراقبت و خود نگه‌داری از آنچه به گناه می‌انجامد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۸). در آیات فراوانی به اهل ایمان سفارش شده است که تقوا پیشه سازند؛ اما گاه تقوا را لازمه رحمت معرفی می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِن رَّحْمَتِهِ» (حدید: ۲۸). از لوازم نزول رحمت خدای یکتا، افزون بر ایمان به خدا و رسول، داشتن تقواست که نوری در مسیر رسیدن به کمال و سبب آموزش گناهان پیشین می‌شود و همه برکات به‌علت غفور و رحیم بودن خداست.

تحلیل معنایی رحمت در قرآن

برای آنکه در تحلیل معناشناسانه بتوان از واژه‌های ملازم بهره برد، باید لوازم رحمت را در قالب مؤلفه‌های معنایی بیان شده در علم معناشناسی بررسی کرد:

۱) مؤلفه‌های معنایی رحمت

یکی از روش‌های تبیین مؤلفه‌های معنایی یک واژه تحلیل مؤلفه‌ای است. به کمک این شیوه می‌توان شرایط لازم و کافی را به‌گونه مختصر بیان کرد. برای نمونه، می‌توان تقابل میان چهار واژه «مرد» و «زن» و «پسر» و «دختر» را بر پایه مؤلفه‌های معنایی به شکل زیر نشان داد:

مرد [+ انسان] [+ مذکر] [+ بالغ]

زن [+ انسان] [- مذکر] [+ بالغ]

پسر [+ انسان] [+ مذکر] [- بالغ]

دختر [+ انسان] [- مذکر] [- بالغ]

در این تحلیل، هر مؤلفه معنایی در میان دو قلاب و به کمک شاخص‌های دوگانه «+» یا «-» مشخص شده است. نشانه [+ مذکر] به معنای «مذکر است» به کار می‌رود و معادل [- مؤنث] «مذکر نیست» به حساب می‌آید. در چنین شرایطی، «مرد» از طریق دو مؤلفه [+ مذکر] و [+ بالغ] از «دختر» متمایز می‌گردد و به کمک مؤلفه [+ مذکر] در تقابل با «زن» قرار می‌گیرد (صفوی، ۱۳۹۳، ص ۲۷۸).

بر همین اساس، می‌توان مؤلفه‌های معنایی «رحمت» در قرآن را نیز تحلیل کرد. واژه‌های ملازم رحمت در قرآن که در میدان معناشناسی واژه‌های ملازم بیان شد، «الله» و «ایمان» و «عمل صالح» و «تقوا» است. از این رو می‌توان ملازم‌های رحمت را با تحلیل مؤلفه‌ای چنین بیان کرد: رحمت در قرآن: [+ الله]، [+ ایمان]، [+ عمل صالح]، [+ تقوا]. وقتی «الله» به معنای اعطا و افاضه (معنای پایه) اضافه می‌شود نشان از این دارد که تنها خداست که می‌تواند رحمت را بر بندگان افاضه کند و با افزودن ایمان، عمل صالح و تقوا بر آن، به دست می‌آید که خدا تنها به بندگانی که این سه ویژگی را دارند رحمت را افاضه خواهد نمود. بنابراین هرگاه یکی از این امور از انسان سلب شود، رحمت خاص الهی شامل حالش نخواهد شد. با توجه به ملازم‌های رحمت، خدا تنها کسی است که رحمت از او صادر می‌شود و اولین گام در جلب رحمت، ایمان به خدا و رسول اوست، هرچند این امر کافی نبوده و برای اثبات باور قلبی به یگانگی او، نیازمند عمل صالح نیز هست و در نهایت، لازمه استمرار این راه، داشتن تقوای الهی برای حفظ رحمت اوست. بر این اساس، معنای نسبی اولیه رحمت یعنی: «آنچه به کسی داده می‌شود که ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد و تقوای الهی داشته باشد».

۲) واژه‌های کلیدی و کانونی رحمت در قرآن

برخی واژه‌های پیرامونی رحمت نقش کانونی دارند و نسبت به واژگان کلیدی در ساختار جهان‌بینی رحمت اهمیت بیشتری دارند؛ زیرا واژگان کلیدی کلمات مهمی هستند که در اطراف یک واژه گرد می‌آیند و با آن در ارتباط مستقیم هستند. واژگان کانونی افزون بر این ویژگی، در قالب کلمه مرکزی، پدیدآورنده وحدت در میدان‌های زیرمجموعه‌ای خود نیز به‌شمار می‌روند و نقش متمایزکننده‌ای دارند.

نخستین رتبه اهمیت از آن ملازم‌ها و شاخص‌های رحمت است که در تحلیل مؤلفه‌ای به آن اشاره شد و همگی افزون بر کلیدی بودن، در حوزه‌های ویژه خود جزء واژه‌های کانونی نیز هستند؛ زیرا بدون آنها، رحمت خاص الهی شامل کسی نمی‌شود. در این میان، بعد از «الله» صفت ربوبیت الهی مهم‌ترین نقش را داراست و قرآن کریم افزون بر خالقیت، ربوبیت را نیز محور توحید دانسته، تنها ربی را که شایسته تدبیر امور و نزول رحمت می‌داند همان خدای یکتاست. همچنین زمینه‌ساز جلب رحمت را اطاعت از خدا و رسول و قرآن، نیز درخواست رحمت و نماز و زکات و جهاد و انفاق و اصلاح ذات‌البین و صبر و تقوا می‌داند.

آری، انسان در فطرت خود شایستگی دریافت رحمت الهی را دارد، فقط باید زمینه‌های جلب آن را فراهم و موانعش را برطرف سازد تا در مسیر کمال قرار گیرد و به سوی سعادت دنیوی و اخروی رهسپار گردد. بنابراین واژه‌های «الله» و «ایمان» و «عمل صالح» و «تقوا» افزون بر کلیدی بودن و قرار گرفتن پیرامون «رحمت»، واژگان کانونی و پدیدارساز وحدت در میدان‌های زیرمجموعه خود نیز هستند. همه واژه‌های فعال در رحمت (آنها که ملازم رحمت‌اند یا در کمال کسب رحمت نقش دارند) زیرمجموعه واژگان کانونی‌اند که بدون آنها دیگر کلمات فعال هیچ نقشی در رحمت ندارند. برای نمونه، درخواست رحمت، وقتی در کسب رحمت نقش دارد که با محوریت رب و ایمان به خدا صورت گیرد.

با توجه به آنچه ذکر شد، چیزی که «رحمت» نامیده شده و بنده با اطاعت و فرمانبرداری آن را دریافت می‌کند و آثار پیش گفته را در پی دارد «حمایت و یاری آفریدگار و پروردگار» است. مؤید این سخن آیتی است که به‌طور صریح به حمایت و پشتیبانی آفریدگار و پروردگار اشاره دارد:

«وَأَتَانِي مِنْهُ رَحْمَةً فَمَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتُهُ فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيْرَ تَخْسِيرٍ» (هود: ۶۳). در این آیه مراد از «رحمت» در «آتانی مِنْهُ رَحْمَةً»، به قرینه پرسش در «فَمَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ»، همان حمایت و نصرت است. پس مفهوم آیه چنین می‌شود: (صالح) گفت ای مردم! به من خیر دهید در صورتی که آفریدگار و پروردگارم حجتی به من داده و مرا مشمول حمایت خود کرده باشد، اگر او را نافرمانی کنم، چه کسی مرا در برابر او حمایت و یاری می‌کند؟ (نه تنها کسی نیست، بلکه جلب رضایت شما با نافرمانی خدا) سبب فزونی خسران من خواهد شد.

«قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَ لَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَ لَا نَصِيرًا» (احزاب: ۱۷). تقابل «سوء» و «رحمة» و تکمیل جمله با «وَلِيًّا وَ لَا نَصِيرًا» نشان‌دهنده این نکته است که یاری در برابر «سوء» و بیانگر مقابل «رحمة» است. پس «سوء» همان آسیب و «رحمت» یاری و حمایت خداست. بنابراین معنای آیه چنین خواهد بود: «بگو اگر او بخواهد به شما آسیب یا حمایتی برساند، کیست که بتواند در مقابل خدا، شما را حفظ کند و بی‌شک، جز خدا ولی و یآوری نخواهند یافت».

«وَلَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَ الظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ» (شوری: ۸). ستمگران مشمول نصرت آفریدگار و پروردگار نخواهند شد. مراد از رحمت حمایت اوست. پس معنای آیه این گونه خواهد بود: «اما هر کس را بخواهد در دایره حمایت خود درمی‌آورد، درحالی که ستمگران از نصرت و حمایت او محروم‌اند».

– «وَأَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَاتٍ وَيَقْيِضْنَ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرِّحْمَانُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصَرُّكُمْ مِّنْ دُونِ الرَّحْمَانِ» (ملک: ۱۹ و ۲۰).

آیه نخست به جایگاه «رحمان» و حفظ پرندگان در آسمان هنگام پرواز و جلوگیری از سقوط آنان اشاره دارد و آیه دوم با خطاب به مشرکان، از همان صفت یاری و حمایت سخن می‌گوید که فقط از «رحمان» برمی‌آید و از بت‌هایی که شریک او قرار داده‌اند، هیچ کاری ساخته نیست. پس هر جا در قرآن، از «رحمت» یاد شده، مقصود حمایت و پشتیبانی آفریدگار و پروردگار است که به شکل عام و خاص – با شروط یاد شده – شامل حال موجودات می‌گردد.

براین اساس معنای «رحمت» چنین خواهد شد: «حمایت عام» که همه موجودات را دربر می‌گیرد و «حمایت خاص» که از سوی خدای یکتا فقط به کسانی هدیه می‌شود که ایمان آورند و تقوا داشته باشند و عمل صالح را پیشه خود سازند.

نتیجه‌گیری

در پی جستار از میدان معنایی و کاربردها و همشینی‌های رحمت در قرآن این نتایج به دست آمد:

۱. یکی از مکاتب معناشناسی که میان مسلمانان با اقبال بیشتری روبه‌رو گشته و نتایج بهتری در کشف معانی واژگان قرآنی به دست داده، مکتب «ساختارگرا» است. در این پژوهش، کاستی‌های روش /ایروتسو با افزودن روش مؤلفه‌ای تکمیل شده است، تا معنای نسبی رحمت به شیوه‌ای دقیق تر به دست آید.

۲. معنای اساسی رحمت در عرف عام عرب، عطوفت و اعطا و افاضه به هر صاحب استعدادی، برای تأمین نیاز اوست.

۳. واژه‌های فعال مثبت بستر ساز کسب رحمت، اطاعت خدا و رسول و قرآن، درخواست رحمت، نماز و زکات، جهاد و انفاق و اصلاح ذات‌البین و صبر و تقواست.

۴. واژه‌های فعال منفی و زمینه‌ساز منع رحمت، ناسپاسی و گناه و مغرور شدن به داری‌ها و افتادن در دام شرک است.

۵. واژه‌های منفعل متأثر از وجود رحمت، زنده شدن زمین و نرم‌خوبی و توفیق رویکرد به عمل صالح و تزکیه و نجات و نصرت الهی و دستیابی به بهشت برین و رضوان است.

۶. واژگان ملازم همیشگی رحمت، کلمات بیانگر مفهوم خدا (ربّ و الله) و ایمان و عمل صالح و تقواست.

۷. از تحلیل همنشینی واژگان پیش‌گفته با رحمت، معنای نسبی آن به دست آمد؛ یعنی «حمایت عام» که شامل همه موجودات می‌شود و «حمایت خاص» که ویژه مؤمنان باتقوا و اطاعت‌پیشه است.

منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
- احمد مختار، عمر، ۱۹۹۸م، *علم الدلالة*، قاهره، عالم الکتب.
- اختیار، منصور، ۱۳۷۲، *معنائشناسی*، تهران، دانشگاه تهران.
- امین، سیده نصرت بیگم، ۱۳۶۱، *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، تهران، نهضت زنان مسلمان.
- ایزوتسو، توشیهیکو، ۱۳۶۸، *خدا و انسان در قرآن*، ترجمه احمد آرام، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- تهانوی، محمدعلی بن علی، ۱۹۹۶م، *کشف اصطلاحات الفنون*، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون.
- جوهری، اسماعیل، ۱۴۱۰ق، *الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیه*، بیروت، دار العلم.
- راغب اصفهانی، حسین، ۱۴۱۲ق، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق - بیروت، دار العلم الدار الشامیه.
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب‌الله، ۱۴۱۹ق، *ارشاد الأذهان الی تفسیر القرآن*، بیروت، دار التعاریف للمطبوعات.
- صفوی، کوروش، ۱۳۹۳، *درآمدی بر معنائشناسی*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- _____، ۱۳۹۴، *معنی‌شناسی کاربردی*، تهران، همشهری.
- طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۳۹۰، *المیزان*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۲ق، *تفسیر جوامع الجامع*، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵ق، *مجمع البحرین*، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- طیب، عبدالحسین، ۱۳۷۸، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، اسلام.
- فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل، ۱۴۱۰ق، *العین*، قم، هجرت.
- قرائتی، محسن، ۱۳۸۸، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کاشانی، ملا فتح‌الله، ۱۳۳۶، *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی محمدحسن علمی.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مهنا، عبدالله علی، ۱۴۱۳ق، *لسان اللسان*، بیروت، دارالکتب العلمیه.